



## فریاد خاموشان (قسمت دوازدهم)

### چهره پنهان تاریخ

سراج ادیب

تاریخ همیشه آن‌گونه که بر کاغذ نقش بسته و در کتاب‌ها درج شده، حقیقت محض نیست. در پس هر سطر و هر واقعه، چهره‌ای پنهان نهفته است؛ چهره‌ای که گاه به عمد پوشانده شده تا حافظهٔ جمعی مردمان را به سوی خاصی سوق دهد. این همان تاریخ رسمی است که قدرت‌ها می‌نویسند، اما آنچه در کویچه‌ها، در جان مردمان خاموش، و در دل خاک مانده، چهره پنهان تاریخ است. این چهره پنهان را می‌توان در اشک‌های بی‌صدا دید، در فریادهایی که هرگز شنیده نشد، در استخوان‌های بی‌نام و نشان که در دل کوه‌ها و دشت‌ها جا مانده‌اند.

تاریخ، آنچه را که نمی‌پسندد، حذف می‌کند و آنچه را که به سود قدرت است، برجسته می‌سازد. اما حقیقت، هرچند خاموش، در سینهٔ مردم و در حافظهٔ نسل‌ها باقی می‌ماند. قدرت‌ها جنگ را روایت کرده‌اند؛ پیروزی و شکست را با معیار خویش سنجیده‌اند. اما چهره پنهان تاریخ روایت دیگری دارد: روایت از مادری که در آتش جنگ کودکش را از دست داد، از دهات و روستایی که با خاک یکسان شد، از نسلی که به غربت پرتاب شد، و از آرزوهایی که هرگز به بار ننشست. این چهره پنهان، نه با جوهر سیاست، بلکه با خون و اشک انسان‌ها نوشته شده است.

چهره پنهان تاریخ، هشدار است به آیندگان که فریب ظاهر را نخورند. هر آنچه با شکوه و عظمت بر صفحه‌ها نقش بسته، لزوماً حقیقت نیست؛ حقیقت در صدای خاموشی است که هنوز از ویرانه‌ها برمی‌خیزد. اگر این چهره دیده نشود، تاریخ باز هم تکرار می‌شود، و باز قربانیان همان مردمان بی‌قدرت خواهند بود. پس وظیفهٔ ماست که چهره پنهان تاریخ را برملا کنیم؛ نه برای انتقام، بلکه برای آگاهی. برای آنکه آیندگان بدانند، پشت پردهٔ زرین قدرت، همیشه سایه‌ای از رنج، خون و محرومیت نهفته است. تنها در پرتو شناخت این چهره پنهان است که می‌توان از تکرار فاجعه جلوگیری کرد و به سوی صلح و همزیستی گام برداشت/

قسمت سیزدهم در آینده